

پژوهشهای جغرافیائی - شماره ۴۱، اسفند ۱۳۸۰
صص ۱-۱۱

بررسی و شناخت صنایع دستی (قالیبافی) در روستاهای حاشیه غربی دشت کویر به منظور توسعه و احیاء آن

مطالعه موردی: روستاهای بخش ایوانکی در استان سمنان

دکتر مسعود مهدوی - استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تهران*

پذیرش مقاله: ۸۰/۲/۱۰

چکیده

بخش ایوانکی یکی از سه بخش شهرستان گرمسار است. در این بخش، یازده روستا با حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت استقرار یافته‌اند. روستاهای این بخش در سه گروه اقتصادی براساس یافته‌های تحقیق طبقه‌بندی می‌شوند: گروه اول، از لحاظ سطح زندگی از یک رفاه نسبی برخوردار می‌باشند؛ گروه دوم از لحاظ سطح زندگی در درجه دوم قرار دارند و گروه سوم را روستاهای نسبتاً محروم تشکیل می‌دهند. محدودیت آب، خاک، اقلیم، فناوری، علم، سرمایه و مدیریت موجب گردیده که توسعه روستائی در این بخش، در حداقل خود تجلی نماید. صنایع دستی که می‌تواند بخشی از اقتصاد روستائی را پوشش دهد، متأسفانه در سالهای اخیر به جهت افزایش قیمت مواد اولیه و پائین بودن کیفیت تولید از رونق افتاده و در حال منسوخ شدن می‌باشد. در این تحقیق ضمن شناخت محیط طبیعی، انسانی و اقتصادی ناحیه مورد مطالعه، راهکارهایی به منظور تعالی و توسعه صنایع روستائی بخصوص قالیبافی، در روستاهای مورد نظر ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: گرمسار، ایوانکی، ایوانکیف، شورقازی، چشمه نادى، قالیبافی، ورامین، زمروء، حبله رود، جاده

شاه‌عباسی، تعالی قالیبافی

مقدمه

اگرچه تحولاتی در مفهوم اقتصاد از عهد باستان تاکنون انجام شده، ولی پیوسته تولید، توزیع و مصرف از زمینه‌های اصلی آن بوده است، زیرا که عقاید اقتصادی افلاطون و ارسطو، اندیشه‌های اقتصادی قرون وسطی، تفکر اقتصادی مرکانتی‌لیستها، لیبرالیستهای اقتصادی، سوسیالیستها و اندیشه‌های اقتصادی مارکس و نهایتاً مکتب نئوکلاسیکها و تحلیلهای جدید اقتصادی با تفکرات اقتصادی استوارت میل و دیگران پیوسته بر این نکته باور داشته‌اند که تولید،

توزیع و مصرف اساس اقتصاد را تشکیل می دهد.

در محیط روستا هم قطعاً بنحوی تولید، توزیع و مصرف ولو در مقیاس کوچک، شکل می گیرند و به شکل خاص خود در محیط روستا تظاهر می کنند. کلیه این فعالیتها ضمن اینکه از لحاظ علمی در چارچوب قوانین اقتصادی قرار می گیرند، ولی از لحاظ شکلی به جهت شالوده های مشخص، تحت عنوان اقتصاد روستائی مورد بحث و بررسی واقع می شوند. شالوده های اقتصاد روستائی عبارتند از: کشاورزی، صنایع روستائی و خدمات که در هر روستا بصورت خاص تجلی می نمایند و موضوع اقتصاد روستائی را شکل می دهند. نکته ای که قابل توجه است، اینکه رابطه ای گاه مستقیم و گاه معکوس بین این شالوده ها در محیط های روستائی تجلی می نماید که احتمالاً در شهر این ارتباط در شالوده های اقتصاد شهری بدین صورت تظاهر نمی کند. لذا در محیط روستا برای شناخت رکن صنایع روستائی، الزاماً باید از ارکان کشاورزی و خدمات هم سراغ گرفت که گاهی توسعه کشاورزی به توسعه صنایع روستائی می انجامد و حتی صنایع دستی را رونق می بخشد و گاه عکس آن مصداق پیدا می نماید. چون موضوع بررسی این پژوهش شناخت صنایع دستی بخش ایوانکی می باشد، لذا الزاماً بررسی و شناخت از کشاورزی و خدمات روستائی اجتناب ناپذیر است. این بررسیها بصورت تفصیلی انجام پذیرفته که در قالب گزارش نهائی طرح تنظیم شده و ماحصل یافته های آن در این مقاله ارائه می گردد.

شیوه پژوهش

شیوه بررسی و تحقیق در این طرح در مرحله اول بصورت مشاهده (جمع آوری مدارک و منابع) موجود بوده که بخش عمده اطلاعات طبیعی مثل اقلیم، زمین شناسی، خاک و غیره را شامل می گردیده است. در مرحله دوم، عملیات پیمایش اساس بررسی را تشکیل داده، زیرا اطلاعات مطلوبی در رابطه با آنچه که هدف تحقیق بوده (صنایع دستی) از منابع کتابخانه ای حاصل نگردید، لذا بررسی در یکایک روستاها برای اطلاع از چگونگی صنایع دستی شکل گرفت. مرحله سوم پژوهش، تحلیلی از یافته ها می باشد. شیوه بررسی این بخش (مرحله سوم) از تحقیق شکل خاص خود را دارد، زیرا که اطلاعات موجود در زمینه صنایع دستی براساس عدم وجود صنایع دستی است. بنابراین، شیوه پژوهش در این مبحث در رابطه با علل عدم وجودی و تناسخ آن از محتوای تئوریک و نظری الزاماً برخوردار می گردد. که این تحلیل بیشتر براساس مفروضات ذهنی و تجربی نگارنده شکل گرفته است.

گزیده ای از یافته های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی طرح

الف- شناختی اجمالی از روستاهای ایوانکی^(۱)

اصولاً در روستاهای ایوانکی، زندگی روستائیان تا حدود زیادی در یک سطح قرار دارد. در این روستاها خانواده های فقیر و کم درآمد و بدون زمین و یا دام، معمولاً مهاجرت کرده و ساکنین روستاها خانواده های هستند که معیشت آنها در رابطه تنگاتنگ با زمین و یا دام و احتمالاً هر دوی آنهاست. لذا می توان تحلیلی مختصر در این زمینه به شرح زیر ارائه نمود:

در امتداد محور تهران - مشهد، بخش ایوانکی به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می گردد. بخش شمالی از هفت

روستا تشکیل شده که اغلب آنها، پایکوهی بوده و به جهت کمبود اراضی حاصلخیز، معیشت دامداری در آنها غالب است و اهالی روستاها اغلب با دامهای خود بیلاق و قشلاق می‌نمایند و علاقه و دلبستگی چندانی به زراعت و حتی باغداری نداشته و تمام تلاش و وقت خود را مصرف دامداری می‌نمایند. در سالهای اخیر به جهت بالا رفتن بهای دام، عملاً سرمایه‌های نسبتاً قابل توجهی را در رابطه با دامها در اختیار گرفته‌اند و بدیهی است که بازده آن هم تا حدودی مقبول می‌باشد. تحت چنین شرایطی از لحاظ اقتصادی و با رعایت اصول قناعت و کم توقعی (به نظر خودشان) راضی بوده و با مشکل چندانی مواجه نیستند؛ ولی این در حالی است که از نظر شیوه زندگی، بهداشت، سواد، گذران اوقات فراغت و تغذیه عموماً با مشکل مواجه می‌باشند. خدمات در این بخش از ایوانکی به مراتب کمتر از بخش جنوبی است و گاهی از خدمات موجود به جهت نوع معیشت، استفاده مقبول بعمل نمی‌آید. مثلاً اگر چه در اغلب این روستاها مدارس وجود دارد، ولی گاهی ساکنین، فرزندان خود را بطور مستمر به مدرسه نمی‌فرستند و در مجموع سطح زندگی در یک سطح قابل قبول نیست؛ هر چند اکثر ساکنین نیازهای روزمره خود را با تلاشهایی که بعمل می‌آورند، تأمین می‌کنند. باید توجه داشت که تأمین ضرورت‌های زندگی و یا تأمین برخی نیازهای اساسی، در حد زنده ماندن می‌باشد و نه زندگی کردن. در جنوب محور تهران - مشهد، چهار روستا و خود شهر ایوانکی قرار دارد. شهر ایوانکی در واقع یک روستا شهر در مرحله گذر است و اغلب ساکنین آن، مهاجرین تنگدست و یا مرفه‌الحال روستاهای مجاور می‌باشند. این نقطه شهری بعنوان یک مرکز خدمات روستائی تلقی می‌شود؛ یعنی مسائل اداری، تجاری و فرهنگی روستاهای ایوانکی در شهر ایوانکی سامان می‌پذیرد و به همین جهت است که هیچیک از روستاهای این بخش مرکزیت پیدا ننموده و این خود موجب توسعه نسبی ایوانکی گردیده است. برای اینکه مرکزیت ایوانکی تأیید گردد، از دو روش استفاده شده است: روش اول، تعیین مرکزیت هندسی یا قطع دو خط رگرسیون حاصل از مختصات x و y ($y = 0.07x + 643$) و $x = 0.02y + 189$ می‌باشد. تلاقی این دو خط، نقطه‌ای در نزدیکی ایوانکی (در غرب آن) است که بدینوسیله مرکزیت هندسی شهر ایوانکی تأیید می‌شود و با این استدلال، ایوانکی بعنوان بهترین نقطه مرکزی برای روستاهای اطراف خود محسوب می‌شود. در روش دوم، از تئوری پتانسیل جمعیتی استفاده شده و شهر ایوانکی به جهت دارا بودن بیشترین مقدار V_i به عنوان مرکز جمعیتی در رابطه با فواصل و جمعیت روستاها مجدداً تأیید گردیده و بنابراین، شهر ایوانکی بعنوان یک نقطه مرکزی برای روستاهای مجاور محسوب می‌شود. باید توجه داشت که روستائیان بخش ایوانکی به جهت نزدیکی به تهران، بسیاری از مسائل اقتصادی، بهداشتی و حتی فرهنگی خود را در تهران سامان می‌دهند و در مرحله دوم، مرکز شهرستان - گرمسار - و کمتر با مرکز استان - سمنان - در ارتباط قرار می‌گیرند.

چهار روستای چشمه نادی، گلستانک، جنت آباد و شور قاضی که در جنوب محور تهران - مشهد قرار دارند، با معیشت کم و بیش متفاوت با روستاهای شمالی می‌باشند. اراضی این روستاها به جهت دشت و در عین حال رسوبی بودن خاکها (به جز نواحی حاشیه کویری) حاصلخیز بوده، خریزه و طالبی بعنوان کشت غالب در آنها کاشته می‌شود؛ گرچه در روستای چشمه نادی و گلستانک معیشت عشایری هنوز هم تداوم دارد. در این بخش از ناحیه ایوانکی، روستای شور قاضی از اقتصاد و حتی شرایط زیستی بهتری نسبت به سایر روستاها برخوردار است و علت آن به جهت وجود دامداری به شیوه صنعتی می‌باشد که نوعی پرواربندی گاو است. این شیوه دامداری در چند سال اخیر متداول گردیده و بصورت محسوسی در کشاورزی و شرایط زیستی این روستا اثر گذاشته است؛ زیرا مشاهده می‌شود که تمامی کودکان واجدالتعلیم در این روستا به مدرسه می‌روند و شرایط اقتصادی نسبتاً خوب موجب گردیده که زنها از بافت قالی امتناع ورزند. در این

روستادر دهه ۷۰ متجاوز از ۲۰ دارقالی وجود داشته که در حال حاضر حتی یک مورد هم دیده نمی شود. این خود یک نتیجه گیری است که وقتی اقتصاد روستائیان از قبال کشاورزی تأمین می گردد، به صنایع دستی توجه کمتری می شود. وقتی صنایع دستی در روستائی متداول می گردد، این صنعت به عنوان کمک معیشتی مورد توجه روستائی می باشد. بطور خلاصه می توان ذکر نمود که سطح زندگی ساکنین شور قاضی علیرغم قرار گرفتن آن در نزدیکی کویر، از سطح زندگی بالاتری (نسبت به سایر روستاها) برخوردار است و در مجموع، روستاهای چشمه نادى، جنت آباد و گلستانک در رده دوم شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیستی مطلوبتری نسبت به روستاهای هفتگانه شمال ناحیه بخش ایوانکی قرار دارند. این یافته را می توان یک سطح بندی از سطح زندگی روستاهای بخش ایوانکی براساس مطالعات اقتصادی و اجتماعی (که جزئیات آن به تفصیل خواهد آمد) در اجرای مطالعات ناحیه تلقی نمود و به عبارت دیگر، روستاهای بخش ایوانکی را می توان در سه گروه از نظر اقتصادی به شرح زیر طبقه بندی نمود:

گروه ۱- روستای شور قاضی

گروه ۲- روستاهای چشمه نادى، جنت آباد و گلستانک

گروه ۳- روستاهای احمدآباد، کرک، حسین آباد، گنداب، بهورد، کورس، سنگاب.

ب- تحلیلی از صنایع دستی در روستاهای ایوانکی

۱- سهم صنایع دستی در اقتصاد روستائی

این موضوع به تفصیل در مبحث میزان تولید صنایع دستی در گزارش نهائی طرح آمده و لذا بر اساس محاسبات انجام شده بطور متوسط ۸۴ مترمربع قالی بافت ورامینی (طرح ورامینی) در روستاهای ایوانکی در سال بافته می شود که بر اساس ارزیابی انجام شده از قرار متری ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان در ورامین به فروش می رسد و رقمی در حدود ۴/۵ میلیون تومان ارزش ناخالص آن برای تمام روستاهاست. این در حالی است که از یک هکتار زمین که زیر کشت خربزه قرار می گیرد، همین حدود درآمد حاصل می شود. بنابراین، قالیافی نقش و یا سهمی قابل توجه در اقتصاد روستاها ندارد و رقم آن چیزی حدود ۲/۰ درصد سهم صنایع دستی از اقتصاد روستائی می باشد.

۲- راهکارهای مناسب جهت توسعه صنایع دستی

توسعه روستائی، پدیده و یا حالتی است که در یک جامعه، خواه شهر و یا روستا، در قبال انجام یک روند شکل گرفته و حاصل می شود. این روند عبارت است از:

شناخت ← برنامه ریزی ← توسعه

بنابراین توسعه پدیده ای نیست که بصورت آنی و لحظه ای حاصل شود. این روند نیاز به شناخت دقیق زمینه های اقتصادی - اجتماعی داشته که باید بوسیله متخصصان امر صورت پذیرد و سپس براساس شناخت، برنامه ریزیهای دقیق علمی و کاربردی انجام شود و در آن صورت است که توسعه به آرامی خود را نشان می دهد. یعنی وقتی که زمان از اجرای برنامه ریزی می گذرد و توسعه تولد می یابد و در مرحله ای به بلوغ می رسد که علائم آن حاصل آمدن رفاه اقتصادی - اجتماعی و از بین رفتن نابرابریها، بی عدالتیها و بی کاریها می باشد. تداوم این شرایط است که محرومیت های اقتصادی، زیستی و فرهنگی در جامعه را زایل ساخته و جامعه بصورت پیشرفته تظاهر می نماید.

با این مقدمه و بر اساس شناختی که از روستاهای ایوانکی با توجه به گزارش نهائی طرح بدست آمده، به این نتیجه می‌رسیم که در روستاهای ایوانکی تا توسعه فاصله بسیار است. اگر صنایع دستی را بخشی از اقتصاد روستائی بدانیم، تولید قالی در روستاهای ایوانکی به ازاء هر ۲۳ نفر یک مترمربع قالی به ارزش مترمربعی ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان در سال می‌باشد که متوسط سهم سرانه هر نفر در طول سال رقمی در حدود ۲۵۰۰ تومان می‌شود. بنابراین نقش صنایع دستی (قالیافی) متاسفانه در توسعه اقتصاد روستائی در ناحیه مورد مطالعه به نظر نگارنده در حد صفر و ناچیز است.

برای تعیین الگوی متناسب، به اعتقاد راقم این سطور، برای اینکه صنایع دستی جایگاهی در اقتصاد روستاهای ناحیه داشته باشد، باید تمهیداتی اندیشیده شود. عملاً دیده می‌شود، در روستاهایی که سطح درآمد از طریق کشاورزی بالا رفته و صنایع دستی عملاً ملغی گردیده، یعنی یک بعد قضیه در این است که در این روستاها وقتی فشار اقتصادی حاکم شود، برای تحمل این فشار به صنایع دستی پناه می‌برند و وقتی فشار برداشته می‌شود، عملاً صنایع دستی تعطیل می‌گردد؛ زیرا سود حاصل از این شیوه، بسیار اندک است و حال اگر این درآمد رقم بالائی باشد، قطعاً تداوم خواهد داشت. پس بنابراین برای تداوم این صنعت باید فرهنگ‌سازی کرد؛ یعنی در قدم اول، ریشه کن کردن بی‌سوادی، توسعه فرهنگ مشارکت و آگاهی بخشیدن به خانواده‌های روستائی برای حق‌خواهی است و در قدم بعدی، ترویج صنایع دستی متعالی است. مثلاً اگر هدف قالیافی است، اشاعه بهترین نوع قالی که در بازارهای داخلی و خارجی مورد پسند باشد. در چنین شرایطی است که در این صنعت هنر تجلی می‌کند. ضمن اینکه اقتصاد شکوفا به دنبال هنر متعالی ظهور می‌نماید و در چنین شرایطی است که فضائی متناسب برای صنایع دستی باز خواهد شد. در غیر این صورت، صنایع دستی نمی‌تواند نقشی در اقتصاد روستائی روستاهای این ناحیه داشته باشد.

۳- راهکارهایی جهت احیاء قالیافی و گذر از موانع

بر اساس بررسیهای انجام شده در منطقه، هیچ نوع صنایع دستی بجز قالیافی، در حد بارز و شناخته شده وجود نداشته، یعنی اگر در تحلیل عنوان فوق بخواهیم تولید متناسب را با نیازهای جامعه مطرح نماییم، باید نیازهای جامعه شهری و روستائی را بشناسیم. قالی یا فرش در ایران بعنوان یک زیرانداز بادوام، زیبا و در عین حال راحت و آرام‌بخش متصور است، بطوریکه پس از سالها استفاده، به ارزش آن افزوده می‌شود. یعنی در واقع، در فرهنگ سنتی ایران، فرش یک نوع سرمایه‌گذاری نیز تلقی شده است؛ بنابراین ملاحظه می‌شود تا زمانی که موکت و فرش ماشینی در ایران متداول نگردیده بود، حتی قالیچه و یا قالیهای روستائی بافت خرسک نیز عملاً خریدار داشت. فاجعه از زمانی رخ داد که کارخانه‌های موکت و فرش ماشینی به وفور وارد کشور شد و متاسفانه دولت هم از آنها آگاهانه یا ناآگاهانه حمایت نمود و در لوای توسعه صنعتی، بزرگترین ضربه به صنعت قالیافی وارد گردید و همچنان وارد می‌گردد. کسانی که در گذشته برای زیرانداز خود بناچار از قالیهای ارزان به استفاده می‌کردند، حال از موکت و فرش ماشینی که در وهله اول از زیبایی ظاهری بیشتری برخوردار است و ارزان‌تر نیز می‌باشد، سود می‌برند؛ ولی متاسفانه پس از مدت کوتاهی غیرقابل استفاده شده و مستعمل آن نیز ارزشی ندارد. در چنین شرایطی است که صنعت قالیافی به خصوص در روستاها صدمه دیده است و استفاده از قالی در حد مرغوب آن معمولاً مختص افرادی شده که در آن هم سرمایه‌گذاری را می‌بینند و هم هنردستی را. بنابراین اغلب جامعه روستایی و حتی جامعه شهری (ایوانکی) و ارگانهای دولتی بجای قالیهای دستباف، از فرشهای ماشینی یا موکت استفاده می‌نمایند که خسارت ناشی از آن قابل توجه است.

ذکر یک مثال، نقش منفی دولت را در این بحث نشان می‌دهد. در مکه معظمه و مدینه منوره و در اماکن مقدسه، کلیه رواقها، صحن‌ها و حتی پشت بامها با قالیهای دستباف فرش می‌شود، در حالیکه عربستان خود تولیدکننده قالی نیست و از بابت بافت این قالیها سود گزافی نصیب کشورهای صادرکننده فرش می‌کند. این روش و این بازار می‌تواند مورد توجه دولت قرار گیرد و در قراردادهای اقتصادی با عربستان سعودی، فروش فرش ایران جهت مفروش کردن مکانهای مقدس آن کشور لحاظ شود و حتی در مکانهای مقدس ایران نیز از فرشهای دستباف استفاده شود.

۴- لزوم نظام‌مند شدن تولید صنایع دستی

متأسفانه در منطقه مورد مطالعه، تولید صنایع دستی به اندازه‌ای دچار رکود و ورشکستگی است که نمی‌توان ابراز داشت که دارای نظام است؛ ولی حتی در این صورت نیز می‌توان آن را نظام‌مند نمود. در وهله اول برای به نظم در آوردن تولید صنایع دستی در روستاهای ایوانکی، ابتدا باید زمینه‌های تولید را بر اساس یک برنامه‌ریزی منسجم فراهم آورد. در این برنامه‌ریزی، البته باید انگیزه تولید را در جامعه برانگیخت و در این مورد باید مقداری کار روانشناسی اجتماعی بر اساس شیوه‌های جامعه‌شناختی صورت گیرد. موقعی که انگیزه ایجاد شد، برنامه‌ریزی برای ایجاد و احداث مراکز صنایع دستی در رابطه با نوع آن صورت پذیرد و سپس نسبت به تولید، بر اساس تقاضا اقدام شود؛ بدیهی است برای نظام‌مند شدن امر تولید، الزاماً باید حقوق شاغلین از هر جهت در نظر گرفته شود و از هر نوع بهره‌کشی جلوگیری بعمل آید. در این صورت تولید بر اساس یک نظام منطقی تحقق خواهد پذیرفت.

۵- بهینه‌سازی فنون و تکنیک صنایع دستی

برای ایجاد تحول در هر امری که برای مدنهای مدیدی تداوم داشته، اصولاً دو روش پیشنهاد می‌گردد: روش اول دگرگون‌سازی است؛ یعنی هر آنچه تا کنون بوده کنار گذاشته شده و بر اساس یک نظم نوین مجدداً طراحی‌ها و برنامه‌ریزیهای لازم برای تولید ارائه گردد. بدیهی است در دگرگون‌سازی، اصولاً تلاش بر این است که تکنولوژی جدید جایگزین تکنولوژی فرسوده گذشته گردد.

شاید دگرگون‌سازی برخی از صنایع روستائی ساده باشد؛ مثلاً سفالگری و اگر سیر تحولی سفالگری را در نواحی که به این کار می‌پردازند، مورد توجه قرار دهیم؛ ملاحظه می‌شود یک دگرگونی بسیار چشمگیر و قابل توجه در آن صورت گرفته است.

قطعاً باید در شیوه تولید قالی در روستاهای ایران بطور عام و در روستاهای ایوانکی مخصوص دگرگون‌سازی شکل گیرد^(۱) و از روال ابتدائی و سنتی خود خارج شود. این عمل می‌تواند از دار قالی شروع و تا شیوه بافت و تهیه نقشه پیش رود و شیوه بافت نقشه، مواد اولیه و دیگر موارد را شامل گردد. شیوه دیگر، بهینه‌سازی است؛ یعنی با تلاش و تفکر، بسیاری از ابزار تولید و حتی نقشه و مواد اولیه متحول شده است.^(۲)

بدیهی است برای رونق بخشیدن به این صنعت باید با شیوه‌های دگرگون‌سازی و یا بهینه‌سازی، تلاش شود تا روشها و زمینه‌های ساده، کم زحمت و ایمن و نیز در عین حال اقتصادی در امر تولید فراهم شود. با توجه به اینکه روش

۱- راهکارهایی برای دگرگون‌سازی در گزارش نهائی طرح ارائه شده است.

۲- تحولات انجام شده به منظور بهینه‌سازی ابزار و شیوه تولید در گزارش نهائی طرح به تفصیل آمده است.

دگرگون‌سازی و یا بهینه‌سازی در نواحی مختلف کشور مثل نائین، کاشان، آذربایجان و سایر نواحی تجربه شده، لذا براحتی می‌توان با الگوبرداری از آنها و حتی ارائه شیوه‌های جدیدتر، در این صنعت تحول بوجود آورد. مثلاً طراحی و ترسیم نقشه به کمک کامپیوتر و با نرم‌افزارهایی که باید برای این کار آماده شود، هزینه نقشه را به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد و در عین حال، دقت، صحت و هزینه‌سازی را افزایش داده و کیفیت قالی را بالا می‌برد.

از وظایف برنامه‌ریزی روستائی، یکی مهار نمودن نیروهای انسانی مازاد است و بهترین راه استفاده مطلوب از نیروهای مازاد، ایجاد و توسعه صنایع دستی در روستاهاست. بدیهی است برای طراحی و اجرای این کار باید مطالعات اجتماعی - اقتصادی لازم صورت گیرد و راهکارهای متناسب برای هر ناحیه و حتی برای هر روستا مشخص شود. در این مطالعات الزاماً نباید کوشش شود تا فقط قالیبافی بعنوان یک کار دستی اثناء گردد؛ بلکه لازم است تا نوع صنایع دستی با سلیقه روستائیان هماهنگ باشد و همچنین صنایع مورد بحث الزاماً نباید سنتی و بومی باشند، بلکه می‌توان با ارائه شکل جدیدی از صنایع، حتی از نوع مدرن، اوقات فراغت روستائیان را پرکرده، از مهاجرت آنها به شهرها جلوگیری نمود و در عین حال، مشکلات اقتصادی روستائیان را نیز بر طرف کرد. برای نمونه، در روستاهای مریوان، دوخت و دوز توپهای فوتبال یا والیبال در سالهای اخیر رواج یافته که می‌توان اظهار داشت، دلیل آن مشابهت با گیوه‌دوزی یا گیوه‌بافی است که قبلاً در این منطقه متداول بوده، چنانچه به شدت مورد استقبال مردم قرار گرفته است. همچنین ساخت و منبت‌کاری مبله‌های گران قیمت استیل در روستاهای ملایر در استان همدان، رودهن و بومهن در نزدیکی تهران گواه دیگری بر این ادعاست.

نکته‌ای که لازم است در این مبحث به آن توجه گردد، اجرای برنامه‌های تعیین شده و نظارت بر اجراء و تداوم در کار است و الزاماً حصول به نتیجه مطلوب در این امر، مدیریت با فکر و آگاه را طلب می‌کند.

۶- منظور نمودن صنایع سنتی با اولویت بیشتر در برنامه‌ریزیهای روستائی

همانطور که در متن گزارش آمده، یکی از شالوده‌های اقتصاد روستائی، صنایع روستائی است. بخشی از صنایع روستائی را صنایع سنتی و یا دستی پوشش می‌دهد که به تفضیل در مفهوم اقتصاد روستائی بیان شده است. وجود صنایع سنتی در روستاهای ایران، خصوصاً بر اساس دو عامل شکل گرفته است: اول، تأمین نیازها و دوم، پرکردن اوقات فراغت.

۷- اشاعه خدمات تأمین اجتماعی

اگرچه بیمه و خدمات تأمین اجتماعی در جهان سابقه طولانی دارد، ولی متأسفانه در ایران به این امر در نواحی روستائی توجه چندانی نشده است؛ هر چند در نواحی روستائی خدمات بیمه از چند سال قبل شکل گرفته ولی متأسفانه نیازهای بیمه‌گزاران را تأمین نمی‌کند. در واقع باید اذعان داشت که حداقل خدمات به کارگران ارائه می‌شود. در کشور ما، خدمات تأمین اجتماعی وقتی کارآمد و قابل قبول است که کارفرما تقبل پرداخت درصد بالائی از حق بیمه را بنماید و درصدی هم از کارگر اخذ شود. این شیوه اصولاً در کارخانه‌ها و کارگاههای بزرگ صنعتی با حمایتی که وزارت کار و تأمین اجتماعی می‌نماید، شکل می‌گیرد و در مواردی که کارگر برای خود کار می‌کند و شکل خود فرما را دارد، اگر بخواهد از این امتیاز برخوردار گردد، مبلغی که باید بپردازد قطعاً با درآمد او سازگار نیست. عدم استفاده از خدمات درمانی و یا بیمه تأمین اجتماعی از یک طرف و گرانی هزینه‌های درمان و کمبود بیمارستانهای دولتی و یا رایگان از

طرف دیگر، موجب می شود که تا وقتی امراض روستائیان حاد نشده و مریض از پا نیفتاده، معالجه به تعویق افتد که این خود موجب افزایش مرگ و میر، کوتاهی عمر و حتی شیوع امراض و اپیدمی در محیط های روستائی است. این مشکل متأسفانه در روستاهای ایوانکی بخوبی مشهود است.

نکته دیگر اینکه اغلب روستائیان آگاهی از مزایای خدمات تأمین اجتماعی یا بیمه را بطور کامل ندارند و از مزایای آنها تاکنون کسی بهره مند نشده، به خصوص در مورد بازنشستگی و از کارافتادگی. جالب اینکه وقتی نگارنده مزایای خدمات تأمین اجتماعی، حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی و نیز دفترچه بهداشتی را برای تک تک اعضای و استفاده از کالا برگها (بن کارگری) و غیره را توضیح می داد، این اعضاء در عین ناباوری از اشتیاق در پوست خود نمی گنجیدند، ولی هنگامی که در مورد پرداخت حق بیمه صحبت می شد، متأسفانه تمام آن باورها به ناباوری تبدیل و بی اعتقادی نسبت به برنامه های دولتی ابراز می گردید. بنابراین لازم است تا در مورد بیمه کارگران خود فرما در روستاها و حتی کارگرانی که بطور روزمره در امور کشاورزی، ساختمانی و احتمالاً قالیبافی اشتغال دارند، اقدامات اساسی و بنیادی توسط دولت بعمل آید.

در روستاهای ایوانکی، مشکلات زنان قالیباف با توجه به نظام اجتماعی مردسالار حاکم و وجود مسئولیتهای متعدد زنان، تأسف و تألم انسانی را بر می انگیزاند، زیرا که محل نامناسب کارگاههای قالیبافی و نامناسب بودن ابزار کار، همواره مشکلات و امراضی را برای قالیبافان روستاهای ایوانکی پدید آورده که مهمترین آنها در گزارش نهائی ذکر شده است.

۸- شناسائی بازارهای مناسب داخلی و خارجی و تضمین خرید تولیدات

مصرف قالی دستباف در ایران همانطور که قبلاً توضیح داده شد، به جهت وارد شدن فرش ماشینی، انواع موکت و تغییر در شیوة زندگی (استفاده از مبل و صندلی به جای نشستن بر روی زمین)، علیرغم افزایش جمعیت، دچار دگرگونی گردیده و در حال حاضر بیشتر خریداران بازارهای داخلی را نسل بزرگسال و سالخوردگان تشکیل داده و جوانان کمتر رغبت به آن نشان می دهند. علت آن هم در وهله اول، عدم توجه به وسائل گرانبها و کم مصرف مثل قالی در طبقه جوان است که در مقابل، به وسائلی که حاصل تکنولوژی جدید است، بیشتر پایبندند (مثل تلویزیون، رادیو، ویدئو، دوربین فیلم برداری و غیره) و حال اینکه نسل قدیمی تر هنوز ذهنیت ارج نهادن به قالی را دارد. از طرف دیگر، تبلیغات دامنه دار و وسیعی که در مورد فرشهای ماشینی و موکت بعمل می آید، وجود این کالای کم ارزش را برای این گروه سنی از جمعیت، با ارزش و در عین حال سهل الوصل معرفی می نماید. در عین حال هیچ نوع تبلیغ و معرفی در مورد فرش دستباف بعمل نمی آید. یعنی هیچگاه در مورد اینکه یک قالیچه کاشان (مثلاً ۱/۵ × ۲ متر) از یک میلیون و دویست هزار گره پشم و ابریشم براساس یک نقشه و نظم خاص تشکیل یافته و به عنوان اثری هنری و کارآمد شکل گرفته است، توضیحی داده نمی شود و بنابراین فرش دستباف عملاً با توجه به یک سیاست غلط به بوتۀ فراموشی سپرده می شود.

به اعتقاد نگارنده، در بازارهای فرش دستباف باید یک بازنگری و یا تجدیدنظر بعمل آید، تولیدات فرشهای ماشینی محدود و یا فقط جنبه صادراتی داشته باشند. تبلیغات وسیعی در مورد فرش دستباف بوسیله دستگاههای دست اندرکار مثل شرکت فرش، وزارت صنایع و غیره صورت گیرد تا فرش در بازارهای داخلی تجدید حیات یابد. همچنین فعالیتهای لازم در خارج از کشور برای احیاء ارزش قالی ایران بعمل آید تا همچنان در بین رقبای تازه پا

به میدان گذاشته و بتواند اظهار وجود کند؛ زیرا بازارهای جهانی هنوز هم پذیرای قالبهای دستباف ایران هستند و در خانواده‌های غربی داشتن یک فرش دستباف ایرانی در کف اتاق و یا بر دیوار خانه و یا دفتر کار اعتبار خاصی را به همراه دارد.

۹- اشاعه تعالی کیفیت صنایع دستی

تولیدات صنایع دستی از هر نوع که باشد، در گذشته برای مصارف خاصی ساخته و یا تولید می‌شد که قطعاً در زمان حال، آن مصارف گذشته یا وجود ندارد و یا اینکه به حداقل تقلیل یافته است. سفالگری، حصیربافی، قالی‌بافی، گلیم‌بافی و غیره که در گذشته مطابق نیازهای آن زمان بافته و یا تولید می‌شده، از آن جمله‌اند. به عنوان مثال: حصیربافی مصرفی وسیع در جوامع داشت که مهمترین آن استفاده در ساختمان‌سازی و یا فروش نمودن اکثر مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و منازل بود، ولی امروزه عملاً حداقل کاربرد را دارد. بنابراین اغلب صنایع دستی در گذشته کاربریهای خاصی داشته‌اند که اکثر این کاربریها منسوخ شده، ولی خود صنعت هنوز باقی مانده است.

یکی از روشهای احیاء و تجدید حیات بسیاری از صنایع سنتی و یا دستی، پیدا کردن کاربریهای جدید برای آن است. قطعاً زمانی این مهم اتفاق می‌افتد که کیفیت و کارآئی کالا بیشتر از آن باشد که در گذشته وجود داشته و بنابراین تحول ایجاد شده در جهت بهبود کیفیت تولید و کارآئی مطلوبتر را تعالی می‌نامیم.

یکی از صنایع دستی که به راحتی می‌توان در اشاعه تعالی آن اقدام نمود، هنر قالیبافی است. اگر قالیبافی را مجموعه‌ای از کار نیروی انسانی، مواد اولیه، تکنیک و مهارت، ذوق و هنر در نظر بگیریم ملاحظه می‌شود که هر یک از عوامل فوق، قابلیت بهبود و بهینه‌سازی و در نهایت تعالی را دارا می‌باشند.

بنظر می‌رسد که اگر امکانات توسعه و تعالی قالیبافی مثل سرمایه‌گذاری، ایجاد تعاونی، تأمین اجتماعی، شناخت بازار و تغییر شیوه و نوع بافت (مثلاً به جای بافت ورامین، بافت شادسرکاشان و یا نائین) فراهم آید، قطعاً امید به این صنعت در حال مرگ وجود دارد و در غیر اینصورت، بافت قالی در چند سال آینده منسوخ خواهد شد.

۱۰- ارائه راهکارهای مناسب و مطلوب جهت عرضه تولیدات و خدمات واسطه‌ها

شیوه عرضه تولیدات چه در صنایع کارخانه‌ای با تولیدات انبوه و چه در صنایع دستی با تولیدات محدود، شاید یکی از مهمترین مراحل اقتصادی باشد؛ زیرا در بسیاری از کالاها، نوع بسته‌بندی، شیوه تبلیغ، محل عرضه، زمان عرضه و بسیاری از عوامل دیگر جهت فروش تولیدات نقش مهمی ایفا می‌نمایند. یکی از شیوه‌های خوب در این مورد، عرضه از تولید به مصرف است؛ یعنی مصرف‌کننده، کالای مورد نظر خود را مستقیماً از تولیدکننده دریافت نماید. این عمل در کشور ما بسیار مشکل و با موانع متعددی مواجه می‌شود؛ یعنی در حد واسط تولید و مصرف، پارامتری بنام واسطه ظاهر می‌شود. نقش این واسطه صرفاً آن است که از تولیدکننده ارزان بخرد و به مصرف‌کننده گران بفروشد و یا اینکه اگر خود، کار خرید و فروش را انجام نمی‌دهد، در پیدا کردن این دو طرف و نزدیک کردن آنها به هم تلاش کند. دستمزد این عمل، مبلغ قابل توجهی است که از تولیدکننده حذف شده و بر مصرف‌کننده تحمیل می‌گردد و به عبارت دیگر، سود واقعی نصیب کسی می‌شود که نه در تولید کالا تلاش کرده و نه در جمع‌آوری پولی که بابت کالا پرداخت خواهد شد، نقش داشته است. بنابراین در اقتصاد ایران و بخصوص اقتصاد مریض روستایی، وجود واسطه‌ها و دلالتها روز به روز بر

شدت مرض می‌افزاید. بدیهی است اگر این عوامل که بخوبی شناخته شده‌اند، حذف شوند؛ قطعاً فشار بر اقتصاد کمتر خواهد شد.

راهکارهای متعددی می‌توان برای این عمل پیشنهاد کرد که یکی از کارآمدترین آنها تعاونیهای تولید و مصرف کالاها و روستایی است. با ایجاد فروشگاههای تعاونی عملاً دست واسطه‌ها کوتاه می‌شود. البته روزنامه‌های محلی که به معرفی کالاها با آدرس و قیمت فروش بصورت روزانه و یا هفتگی منتشر می‌شود، خود می‌تواند از راهکارهای مناسب دیگر باشد، مشروط بر اینکه مقداری از هزینه‌های آنرا دو طرف خریدار و فروشنده تقبل نمایند؛ ولی متأسفانه در فرهنگ ما برای خرید و فروش، اغلب بنظر می‌رسد که وجوه شخص ثالث در شکل گرفتن و به انجام رسیدن معامله ضروری است این ریشه در فرهنگ ما دارد و در این زمینه لازم است تا در فرهنگ‌سازی دولت نظارت نماید، زیرا که فروشنده تلاش در گرانتر فروختن و خریدار تلاش در ارزانتر خریدن دارند و در واقع هیچیک به حق خود قانع نیستند (مشکل فرهنگی). در نوعی از واسطه‌گری، دلال این دو طرف را به هم نزدیک می‌کند و با حرف و حیل تلاش می‌کند تا معامله سرگیرد. اشکال دیگری از واسطه‌گری نیز وجود دارد که از ذکر آنها خودداری می‌شود.

قبلاً نیز تلویحاً اشاره گردید که در روستاهای ایوانکی با وجود محدودیت در تولیدات قالی و عدم جذابیت آن در بازار (از لحاظ کیفیت) مشکل واسطه‌ها کمتر شده و به همین جهت است که واسطه محلی عملاً در روستا وجود ندارد؛ ولی متأسفانه از شر آنها گریزی نیست و نقش واسطه‌گری بالاخره در شهر و روستا تجلی می‌کند و عملاً تا زمانی که تعاونیهای تولید و مصرف در روستاهای ایوانکی تأسیس نشده، عملکرد واسطه‌ها به اشکال مختلف وجود خواهد داشت.

تشکر و قدردانی

این مقاله بخشی از نتایج یک طرح پژوهشی با همین عنوان است که در سال ۱۳۷۹ با مساعدت معاونت پژوهشی دانشگاه تهران در مؤسسه جغرافیا تهیه و اجرا گردیده است.

منابع و مآخذ

- ۱- آب منطقه‌ای تهران (۱۳۷۰)، منابع آماربرداری از مطالعات پیزومتری.
- ۲- بربریان (۱۳۶۲)، گزارش بررسی زمین‌ساخت تهران و پیرامون، سازمان زمین‌شناسی کشور.
- ۳- پل جاکف (۱۳۶۷)، ترجمه دکتر دیانت نژاد، بررسی‌های بوم‌شناسی، مرکز تحقیقات مناطق کویری.
- ۴- جعفرپور، ابراهیم (۱۳۵۵)، شرایط اقلیمی و نیاز آبی درکاشان.
- ۵- جهاد سازندگی گرمسار (۱۳۷۷)، گزارش دام و طیور.
- ۶- حمیدی، علی اکبر و دیگران (۱۳۶۲)، مجموعه مقالات مردم‌شناسی، دفتر اول، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۷- خسروی، احمد (۱۳۶۲)، جامعه‌شناسی روستائی ایران.
- ۸- شرکت ژنرال ژئوفیزیک، FAO (۱۳۵۴)، مطالعات گرمسار و ایوانکی.
- ۹- فرهنگ جغرافیائی کشور (۱۳۵۷)، جلد اول، استان مرکز، سازمان جغرافیائی کشور.
- ۱۰- مهدوی، مسعود (۱۳۷۷)، جغرافیای روستائی ایران، سمت.
- ۱۱- وزارت کشاورزی (۱۳۶۸)، گزارش خاکشناسی اجمالی منطقه ایوانکی.